

چشم دل باز کن که جان بینی / طبیعت راز هستی



طبیعت، این محیط زیبای زیست نه تنها برای انسان بلکه برای تمام جنبندگان مهیا شده است تا بستی باشد برای تعبید، بستی برای تفکر در آفرینش؛ برای کسانی که چشم و گوششان به روی حقیقت باز است تا ببینند و بیاموزند پرستش را.

طبیعت، این محیط زیبای زیست نه تنها برای انسان بلکه برای تمام جنبندگان مهیا شده است تا بستی باشد برای تعبید، بستی برای تفکر در آفرینش؛ برای کسانی که چشم و گوششان به روی حقیقت باز است تا ببینند و بیاموزند پرستش را. در قرآن کریم بیش از 750 آیه اشاره به ظواهر طبیعت می‌کند ابعاد گوناگون جلوه‌ها و زیبایی‌های آن را یادآور می‌شود. در اغلب این آیات، ما را توصیه به مطالعه کتاب طبیعت و پندآموزی آن می‌کند.

بی‌گمان، هدف این آیات، طرح علوم طبیعی و بیان قوانین آن نیست، هر چند به نکاتی اشاره دارد که پس از قرن‌ها اهمیت حساسیت آن شناخته شده و خبر از این حقیقت می‌دهد که گوینده آن در اتصال به مبدأ الهی و آفریننده جهان است. آفریننده‌ای که از همه چیز خبر دارد و با آگاهی آنها را پدید آورده و برای ما رام کرده است. قرآن کتاب هدایت است و منظور از ذکر این شگفتی‌ها تدبیر در موجودات طبیعی و توجه به نشانه‌های آن در اصل خلقت است. قرآن این شگفتی و زیبایی و اهمیت را چنین بیان می‌کند «و اوست که از آسمان، آبی فرود آورد، پس به وسیله آن از هرگونه گیاه برآوریم.

و از آن گیاه جوانه سبزی خارج ساختیم که از آن دانه‌های متراکمی برمی‌آوریم و از شکوفه درخت خرما خوشه‌هایی است نزدیک به هم و نیز از آب باران باغ‌هایی از انگور و زیتون و انار همانند و غیرهمانند بیرون آوردیم. به میوه آن چون ثمر دهد و به طرز رسیدنش بنگرید، بی‌گمان در اینها برای مردمی که ایمان می‌آورند نشانه‌هاست؛ انعام/99» طبیعت دستان پذیرای خویش را به سوی ما دراز می‌کند و ما را فرا می‌خواند تا از زیبایی‌اش بهره‌مند شویم، اما ما از سکوتش می‌هراسیم و به هیاهوی شهرها می‌گریزیم تا در آنجا مانند گوسفندانی گریزان از چنگال گرگی وحشی، در هم توده شویم. کاش بفهمیم سفر دانه به گل را، سفر پیچک این خانه به آن خانه، سفر ماه به حوض، فوران گل حسرت از خاک، ریزش تاک جوان از دیوار، بارش شب‌نم روی پل خواب.

کاش بدانیم چه طور از حیات بهره‌بریم و جان خویش را در صفای طبیعت طراوت بخشیم. ارتباط انسان با طبیعت ارتباط انسان با خداست. پیامبرانی که اکثراً شغل چوپانی را تجربه کردند این چنین به ما می‌گویند.

پیامبر(ص) زمین را مادر و زادگاه ما می‌دانند و ما را سفارش به مهربانی با این مادر می‌کنند. ایشان عمران و آبادانی زمین را که کشاورزی از مهم‌ترین عوامل آن به شمار می‌رود، تنها به عنوان برآورنده نیازهای مادی و معنوی خود نمی‌دانست، بلکه به دلیل فرمان خداوند متعال، آن حضرت همواره در پی آن بود که شهرها و روستاها در قلمرو حکومت اسلامی، سرسبز و خرم باشد. از این رو، همان‌طور که نقل شد از هر گونه قطع درختان و کندن گیاهان نهی می‌کردند.

کاش می‌توانستیم ایمان کشاورزی را که چشم به آسمان دوخته و زمین را مأوای خود می‌داند درک کنیم. کشاورزی که تابستان را در زیر سایه درخت می‌آرامد و زمستان به استراحت می‌پردازد. او که فلسفه حیات را به خوبی درک کرده و سکوت طبیعت و صدای چشمه‌سار را به تمدن شهر نمی‌فروشد.

جبران خلیل جبران می‌گوید: ما در امور مادی از روستائیان جلوتریم، اما روح آنان از روح ما شریف‌تر است. ما زیاد می‌کاریم، چیزی درو نمی‌کنیم، اما آنان هر آنچه را می‌کارند درو می‌کنند. ما بنده اشتهاهای مان هستیم و آنان فرزند قناعت‌شان. ما از جام زندگی چیزی را می‌نوشیم که با تلخی، یأس، ترس و ملال آمیخته است، آن‌ها از جام زلال و گوارای زندگی می‌نوشند.

کاش مثل سهراب سپهری صدای نفس باغچه را بشنویم و صدای سرفه روشنی از پشت درخت/عطسه آب از هر رخنه سنگ و صدای پای قانونی خون را در رگ او، صدای پر بلدرچین را بشناسیم و رنگ‌های شکم هوبره را، اثر پای بز کوهی را. خوب بدانیم ریواس کجا می‌روید، سار کی می‌آید، کبک کی می‌خواند، باز کی می‌میرد.

قرآن کریم در آیات بسیاری از تسخیر طبیعت برای انسان توسط خدا خبر می‌دهد مانند سوره ابراهیم 32 و 33، نحل 12 و 14، حج 65 و لقمان 29.

همچنین از رام کردن تمام آسمان‌ها و زمین برای انسان خبر می‌دهد: سوره لقمان 20 و جاثیه/12. اما مهم این است که بدانیم طبیعت چه اهمیتی دارد و چه زیبایی‌هایی می‌آفریند و چگونه می‌توان از آن به گونه‌ای نیکو استفاده کرد و مهم‌تر اینکه بدانیم همه این نعمت‌ها نشانه خدا و با تدبیر خدا هستند و هدفی برای آفرینش آنها وجود دارد و ما انسان‌ها ناسپاسی نعمت نکنیم و به ستم از آن استفاده نکنیم.

بدانیم و بفهمیم چه‌طور این رام شده خدا را طغیان‌گر و سرکش نکنیم. چه آنکه در احادیث داریم رابطه مستقیمی بین گناه کردن و نزول نقمات طبیعی وجود دارد.

*مهسانظری